

سپنتا، تمرکززدایی شورای نگهبان

علی‌اکبر گرجی‌ازندریانی*

● شوراهای اسلامی ازجمله نهادهای نظام متمرکزذایی اداری محسوب می‌شوند. در این نظام، پاره‌ای از اختیارات اداری دولت و نهادهای مرکزی به واحدهای محلی مانند شوراهای شهرداری‌ها سپرده می‌شود. همه اختیارات واحدهای محلی اعطایی است و باید در پرتو اصولی مانند تمامیت ارضی و حاکمیت ملی اعمال شوند. ازاین‌رو، پرواضح است شوراهای محلی فقط در چارچوب تفویض اختیار از سوی قدرت مرکزی اعمال صلاحیت می‌کنند و فاقد صلاحیت‌های ضددولت هستند. در این معنا، سخن کسانی که شوراهارا را از مظاهر برجسته اعمال حاکمیتی می‌دانند، درست نیست. اساسا قبض و بسط قلمرو اختیارات شوراهار در دست نهادهای حاکمیتی مانند قوه مؤسس و مجلس شورای اسلامی است و بدون اراده اینها شوراهای اسلامی امکان کوچک‌ترین تحرکی را نخواهند داشت. فقدان استقلال شوراهار به‌این معناست که این نهاده‌ها نمی‌توانند فراتر از اختیارات اعطایی اعمالی را انجام دهند.

افزون بر همه اینها نمی‌توان فروش کرد که در نظام حقوقی ایران اختیارات شوراهار به‌مراتب ضعیف‌تر از کشورهای دیگر است. بی‌اختیاری و ناتوانی شوراهای محلی در مدیریت امور محلی به‌گونه‌ای است که گاه باعث می‌شود نتوان به‌سادگی عنوان غیرمتمرکز را برای نظام اداری ایران برگزید. عموم اختیاراتی که قانون اساسی به شوراهای اسلامی اعطا کرده، اختیارات تبعی است. به‌جرت می‌توان گفت به جز خدمات محدود شهری هیچ‌کدام از خدمات عمومی راهبردی مانند آموزش و بهداشت در اختیار شوراهای اسلامی نیست، گرچه درحال حاضر توانمندی مدیریتی شوراهار نیز کمتر از آن است که بتوانند اختیارات گسترده‌ای را داشته باشند. از معدود اقتدارات شوراهای شاهر انتخاب شهردار است که آن هم با لطایف‌الحیل گوناگون در عمل محدود می‌شود. با این اوصاف، ابراز نگرانی‌های این روزها را نمی‌توان از منظر حقوقی به فهم درآورد. انگیزه واقعی این بزرگواران هم بر ما پوشیده است و نمی‌دانیم با این سنخ از تصمیم‌گیری‌ها چه خدمتی به نظام جمهوری اسلامی می‌شود. ظاهر قضیه آن است که اقدامات شورای محترم نگهبان در قضاییایی مانند مینو خالقی و سپنتا نیکمان بر محبوبیت این نهاد نیفزوده است.

موضوع‌گیری فقه‌ای عظام شورای نگهبان در ماجرای خاتم مینو خالقی و آقای سپنتا نیکمان نشانگر آن است که شورای نگهبان قانون اساسی هنوز به معنای عرفی قانون که برآمده از اراده اکثریت ملت است، باور لازم را پیدا نکرده است. هنر جمهوری اسلامی و اصل چهارم قانون اساسی این بود که شریعتمداری را در عمق دل‌های ایرانیان جای دهد. اسلام را همان آغاز، خود منادی قانون‌مداری بود و در این پویش، تضاد بنیادینی بین قانون عرفی و شرعی نمی‌دید. باشد که با مداخله بزرگان نظام و عقلای قوم شائبه غریباسخ‌گوبودن قواعد دینی و نامنطقی‌بودن آنها با مقتضیات زمان از اذهان جوانان ایران زده‌وده شود.

جای انکار نیست که شورای نگهبان، به مثابه دادرس اساسی، می‌تواند پیشران توسعه در حوزه سیاست، حقوق یا حتی نظام‌سازی باشد، اما نخستین شرط تحقق این مهم آن است که شورا چنین نقشی را برای خود به رسمیت بشناسد. این چالش‌ها را که شاید کمتر بتوان در جوامع دیگر مشاهده کرد، به‌جرت می‌توان نتیجه تفکیک نهاد مصلحت‌بانی از نهاد نگهبان قانون اساسی دانست. وقت آن است تا در اقدامی شجاعانه این دو نهاد ادغام شده و شورای نگهبان رسما مکلف به پاسداری توانمان از حریم قانون و مصلحت عمومی شود. تغییر ترکیب عضوی و امکان حضور گرایش‌های فقهی و حقوقی متنوع در شورا هم راه‌حلی خردمندانه است، اما به صورت بنیادین نمی‌تواند این مسئله را حل کند.

تامل بیشتر در این زمینه را به مطالعه دوگانه دادگاه‌های قانون اساسی و مقاله مصلحت‌بانی شورای نگهبان حواله می‌دهیم.

«عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، وکیل پایه یک دادگستری

نگاه

احمدی‌نژاد ممنوع‌الخروج نیست

● **باشگاه خبرنگاران:** علی‌اکبر جوانفکر، مشاور رسانه‌ای رئیس دولت‌های نهم و دهم درباره خبرهایی مبنی بر ممنوع‌الخروج‌شدن محمود احمدی‌نژاد، گفت: چنین اخباری صحت ندارد و کذب است. او ادامه داد: ممنوع‌الخروج‌شدن احمدی‌نژاد آرزوی برخی‌هاست.

سیاست

روایت بهزاد نبوی از قرارداد الجزایر

ما فقط به محاکمه گروگان‌ها به شکل سمبولیک اعتقاد داشتیم



بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

به‌این‌ترتیب چیزی علیه ما در آن دادگاه تصویب نمی‌شد و تا آنجا که اطلاع دارم، داوری منورور رأی غیرعادلانه‌ای علیه ما صادر نکرده است.

● ولی تاآنجاکه من اطلاع دارم، موجودی حساب مذکور تا سال‌های آخر دهه ۷۰، ۵۰۰ میلیون دلار کمتر نشده بود. این در حالی بود که تا آن زمان هزاران دعوا در داوری مطرح و رأی آن صادر شده بود؛ اما اینکه می‌گویند چرا شما یک‌میلیارد دلار گذاشتید؛ ولی آمریکا نگذاشت؟ برای این بود که چند هزار دعوا در آمریکا علیه ما طرح شده بود و ما به هنگام امضای بیانیه‌ها حتی یک دعوی مطرح علیه آمریکایی‌ها نداشتیم.

● ادعای اینکه کسانی که اموال‌شان مصادره شده بود و تغییر تابعیت داده و با شکایت به دادگاه لاهه چندین برابر دارایی پول از حساب‌شان تنخواه دریافت کردند، ادعاها و حرف‌های اثبات‌نشده‌ای است که در ابتدا آقای بنی‌صدر پس از امضای بیانیه علیه آقای رجایی و من طرح کرد و آقای نویری که رئیس بانک مرکزی منسوب بنی‌صدر هم او را تأیید کرد.

● تعداد دوتابعیتی‌هایی که به لاهه رفته و موفق به اخذ وجهی شدند، احتمالا کمتر از تعداد انگشتان یک دست است. دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی اطلاعات دقیق این مسئله را دارد، ضمناً تا روز امضای بیانیه الجزایر، آقای بنی‌صدر کوچک‌ترین نظری درباره بیانیه الجزایر نداد؛ درحالی‌که گزارش همه مذاکرات هم روز برای او می‌رفت، و ایشان کوچک‌ترین نظری نداد. آقای نویری هم در تمام مذاکرات حضور داشت. همین که بیانیه‌ها امضا شد؛ آنها و بسیاری دیگر شروع به حمله به بیانیه‌های الجزایر کردند. پس از آنها، اعتراضات جناح راست شروع شد و مرحوم زواره‌ی و دکتر محمود کاشانی خونخواهی علیه بیانیه‌های الجزایر را به عهده گرفتند.

● در بیانیه‌های الجزایر هم این تصریح شده که آمریکا تمام اموال و دارایی‌های شناخته‌شده شاه در آمریکا را توقیف و برای تحویل به ایران به دادگاه بفرستند و در دادگاه به نفع ایران مصادره شود، اما آمریکاهایی‌ها به ما می‌گفتند شما اموال و دارایی‌های شاه را به ما معرفی کنید تا ما عمل کنیم. ممکن است سبأ یا مراجع بانکی و ثبتی و مالیاتی آنها اطلاعاتی درباره اموال و دارئی‌های شاه داشتند؛ اما طبیعی است که نمی‌شد از آن مراجع انتظار داشت به داشتن اطلاعات در آن زمینه اعتراف کنند و آنها را در اختیار ایران قرار دهند. خود ما هم متأسفانه به هنگام

امضای بیانیه‌ها کوچک‌ترین اطلاعی در این زمینه نداشتیم؛ یعنی هیچ دستگاهی هم نداشت. تا امروز هم باوجود تمام تلاش‌هایی که شد، گمان نمی‌کنم اطلاعاتی در اختیار دولت آمریکا قرار گرفته باشد. ● من تاکنون در هیچ‌یک از اسناد رسمی کشور، وزارت خارجه و منابع دیگری که باید این اسناد رسمی را حفظ کنند، چیزی به‌عنوان توافق آقای صادق طباطبائی و نمایندگان آقای کارتر ندیده‌ام. علی‌القاعده من باید به‌عنوان امضاکننده بیانیه‌های الجزایر این متن را در جایی می‌دیدم. البته معنای حرف من تکذیب سخنان آقای صادق طباطبائی نیست. سخن من این است که متن ایشان هرگز به دست ما و دولت نرسید که درباره آن بحث شود. من هنوز هم اطلاع دقیقی درباره نقش و مأموریت ایشان ندارم مگر آنکه اطلاعات آن را در خاطرات ایشان دنبال کنم؛ اما اگر ایشان متنی با امضای کارتر داشت؛ قاعده این بود که قبل از امضا یا تصویب بیانیه‌های الجزایر این‌ متن حداقل در اختیار آقای رجایی قرار می‌گرفت. ایشان باید می‌گفت این نامه و امضای آقای کارتر، شما در این چارچوب امضاحقاً یا دنبال کنید. ● ما هیچ پیشنهادی در مرحوم احمدقاجا یا هیچ مرجع دیگری درباره‌ی(توافق کارتر با صادق طباطبائی) دریافت نکردیم. اتفاقاً ما خیلی دنبال همکار می‌گشتیم. ما کلی تلاش کردیم تا آقای احمد عزیزی با حسین شیخ‌الاسلام را توانستیم برای این کار دعوت کنیم. اینها بچه‌های سیاسی بودند که در آمریکا درس خوانده بودند و حداقل سسلط به زبان انگلیسی بودند. البته آقای صادق طباطبائی هم تجربه‌ای بیشتر از ما نداشت؛ چراکه دو سال بیشتر از انقلاب نگذشته بود.

بهزاد نبوی در گفت‌وگو با سایت «جماران» به تفصیل به قرارداد الجزایر که منتج به آزادی گروگان‌های آمریکایی شد، پرداخته است که اهم آن در ادامه می‌آید:

- نبوی که در آن زمان وزیر مشاور و سخنگوی دولت شهید رجایی بوده، در این مصاحبه تأکید کرده است که دولت رجایی همه تلاش خود را برای به پایابرساندن سریع گروگان‌گیری در دوره جیمی کارتر کرده بود.
- امام برای حل ماجرای گروگان‌ها چهار شرط طرح کرد. مجلس شورای اسلامی کمیسویی تشکیل داد و تقریباً همین چهار شرط را به‌صورت یک مصوبه درآورد. این نکته را هم باید توضیح دهم که بیانیه الجزایر مصوبه دولت بود و من فقط بیانیه الجزایر را از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران امضا کردم، نه اینکه تصویب‌کننده بیانیه باشم.
- من هم این ادعا را شنیده‌ام که (دولت شهید رجایی به‌گونه‌ای عمل کرد که این روند طولانی شود تا کارتر نتواند پیروز انتخابات آمریکا باشد) اما موضوع کاملاً برعکس است. امام، دولت و شهید رجایی به‌شدت مصمم بودند که در زمان کارتر موضوع حل شود و به دوره ریگان کشیده نشود.
- من به‌عنوان یک عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی مخالف آزادکردن اتباع آمریکایی بودم، ما فقط به محاکمه آنها، حتی به‌شکل سمبولیک، اعتقاد داشتیم!

- برای اینکه عزم نظام برای آزادسازی اتباع آمریکایی در دوره کارتر مشخص شود، باید بدانید هر چند روز یک‌بار حاج‌احمدآقا از طرف امام به من زنگ می‌زد که ما چرا چه شد؟ چه‌کار کردید؟ ما چرا تمام شد یا نشد؟ خود امام دو بار شهید رجایی و من را خواست و بگیر کار بودند. در یکی از دیدارها فرمودند، آقای دکتر بدالله سحابی آمده بودند پیش من و گویه می‌کردند که اینها، یعنی دولت رجایی، نمی‌خواهند ماچرا را حل کنند، شما هیئت را بگذارید که این ماجرا را حل کند. امام مرتباً از ما توضیح می‌خواست؛ یعنی شک و تردید امام این بود که ما نخواهیم ماچرا را حل کنیم. هم شهید رجایی و هم من به ایشان توضیح می‌دادیم که ما معتقد به محاکمه اتباع آمریکایی زندانی، حتی به شکل سمبولیک بودیم. اما چون شما گفتید و مجلس هم نظر شما را تأیید کرد، ما با همه قوا دنبال حل ماجرا رفتیم.
- درست همان روز که مجلس آن چهار شرط را تصویب و به ما اعلام کرد، بلافاصله از طریق سفارت سونیوس می‌تلکسی از طرف دولت آمریکا آمد که ما چهار شرط را قبول داریم. اما آن، فقط یک تلکس بود. در عمل باید همه وجوه، اموال و دارایی‌های ما پس داده می‌شد، دعاوی ابطال می‌شد، اموال شاه مسترد می‌شد تا ما گروگان‌ها را آزاد می‌کردیم. آن تلکس حرفی کلی بود که ما هر چهار شرط را پذیرفته‌ایم. اما برای اینکه این شرط‌ها عملیاتی شود، باید مذاکره انجام می‌شد.
- مخالفان معتقدند که در قبال آزادی اتباع آمریکایی باید تمام وجوه، اموال و دارایی‌هایمان بلافاصله در اختیارمان قرار می‌گرفت و دعوی آمریکایی‌ها در هیچ دادگاهی مطرح نمی‌شد.
- اولین پیشنهاد ما به آمریکا این بود که شما حدود ۲۳میلیارد دلار در حساب الجزایر بگذارید، ما هم اتباع زندانی آنها را به آمریکا می‌فرستیم. همین پیشنهاد بود که دو، سه هفته در مذاکرات وقفه ایجاد کرد و در همان فاصله، انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا برگزار شد و ریگان برنده شد. اموال شاه را حدود ۱۰میلیارد دلار برآورد کردیم. چهار میلیارد دلار اموال و دارایی‌هایمان در آمریکا تخمین زده شده بود. حدود ۹میلیارد دلار هم وجوهی بود که در بانک‌های آمریکایی بلوکه شده بود. جمع آنها هم حدود ۲۳میلیارد دلار می‌شد.
- مذاکرات قطع شد. در روزنامه‌هایشان نوشتند که باید هر گروگان ایران حدود ۵۰۰میلیون دلار پول می‌خواهد. حتی مرحوم دکتری‌زدی هم به آقای عزیزی، همکارمان زنگ زده بود که «آقا، شما مگر

- مخالفان معتقدند که در قبال آزادی اتباع آمریکایی باید تمام وجوه، اموال و دارایی‌هایمان بلافاصله در اختیارمان قرار می‌گرفت و دعوی آمریکایی‌ها در هیچ دادگاهی مطرح نمی‌شد.
- اولین پیشنهاد ما به آمریکا این بود که شما حدود ۲۳میلیارد دلار در حساب الجزایر بگذارید، ما هم اتباع زندانی آنها را به آمریکا می‌فرستیم. همین پیشنهاد بود که دو، سه هفته در مذاکرات وقفه ایجاد کرد و در همان فاصله، انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا برگزار شد و ریگان برنده شد. اموال شاه را حدود ۱۰میلیارد دلار برآورد کردیم. چهار میلیارد دلار اموال و دارایی‌هایمان در آمریکا تخمین زده شده بود. حدود ۹میلیارد دلار هم وجوهی بود که در بانک‌های آمریکایی بلوکه شده بود. جمع آنها هم حدود ۲۳میلیارد دلار می‌شد.
- مذاکرات قطع شد. در روزنامه‌هایشان نوشتند که باید هر گروگان ایران حدود ۵۰۰میلیون دلار پول می‌خواهد. حتی مرحوم دکتری‌زدی هم به آقای عزیزی، همکارمان زنگ زده بود که «آقا، شما مگر

فائزه هاشمی:

از فشارهایی که روی روحانی هست خبر داریم



بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی‌بی‌سی

بی